

سازمان‌های مردم‌نهاد و راهبردهای تولید سرمایه اجتماعی: مطالعه

مردم‌نگارانه سازمان‌های مردم‌نهاد سردشت

چکیده

سازمان‌های مردم‌نهاد پیوند وثیقی با تکثیر و ارتقاء سرمایه اجتماعی و حذف موانع انباشت آن دارند و از کارگزاران اصلی توسعه اجتماعی محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با روش مردم‌نگاری شهری به واکاوی راهبردهای سازمان‌های مردم‌نهاد در تولید سرمایه اجتماعی و شناسایی تجارب سرمایه‌زا و سرمایه‌زدای آن‌ها در شهر سردشت پرداخته است. آنچه بر اهمیت عملی پژوهش می‌افزاید، به مخاطره افتادن توسعه اجتماعی بدلیل ساختار قطاعی، چندپارگی اجتماعی، مسائل و شکاف‌های اجتماعی در سردشت به‌عنوان یک جامعه در حال گذار است. در این مطالعه، برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختارمند و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. نمونه‌های پژوهش شامل 34 نفر کنشگر مدنی در 31 سازمان مردم‌نهاد سردشت بودند. برای تعیین تعداد نمونه‌ها، اشباع نظری مبنا و از روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع بهره گرفته شده است. بر مبنای روایت کنشگران مدنی، با وجود گسست و انقطاع در پشتوانه نهادی و اجتماعی، برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق راهبردهایی چون «اشتراک ارزشی و هنجاری»، «شبکه‌سازی»، «کنش جمعی پیوسته»، و «اعتمادسازی» به خلق سرمایه اجتماعی بین‌گروهی و بسط آن مبادرت ورزیده‌اند. در کنار تجارب سرمایه‌زا (نظیر عام‌گرایی، الگوسازی، ترویج فرهنگ مشارکت و هدف‌گذاری مشترک) برخی از سمن‌های سردشت با مخاطراتی نظیر تخریب، محفل‌گرایی، گسست در سرمایه نهادی، شخصی‌شدن، زیست‌جزیره‌ای و زوال مدارا روبرو هستند. این دسته از تجارب سرمایه‌زا، علاوه بر کاهش نفوذ اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد، مانع تولید سرمایه اجتماعی بین‌گروهی می‌شود و چندپارگی اجتماعی را در میدان مورد مطالعه تشدید می‌نماید.

کلید واژگان: اشتراک ارزشی و هنجاری، سازمان‌های مردم‌نهاد، سرمایه اجتماعی، شبکه‌سازی اجتماعی.

1. بیان مسئله

شهر سردشت در جنوب غربی آذربایجان غربی و در فاصله 35 کیلومتری مرز ایران و عراق قرار دارد. به جهت موقعیت پیرامونی و دوری از مرکز، مرزی بودن و سیطره نظم انتظامی، شبکه‌های خویشاوندی و مناسبات قومی و عشیره‌ای به عامل اولیه هویت بخشی و انسجام در سردشت تبدیل شده است. مختصات جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی این شهر که با چندگانگی ساختاری، ساختار قطاعی و چندپارگی اجتماعی ویژگی می‌یابد در تداوم هویت‌های اولیه و قوت‌یافتن سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (محدود) مؤثر بوده است. «سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، بر شدت روابط در درون‌گروه‌هایی دلالت دارد که قرابت زیادی در مختصات جمعیتی، پنداشت، دانش، آگاهی و منابع در دسترس دارند. سرمایه اجتماعی محدود، بین «افراد شبیه بهم» که «با هم هستند» و معمولاً روابط نزدیک قوی با هم دارند، وجود دارد. این نوع سرمایه نمود قابل ملاحظه- ای در میان اعضای خانواده، دوستان نزدیک و همسایه‌ها و افراد هم‌قوم دارد» (Claridge, 2018, p.1). با راه‌اندازی دانشگاه پیام‌نور و آزاد اسلامی و قوت گرفتن بازارچه‌ها و مراودات مرزی، از انزوای محیطی و جغرافیایی این شهر کاسته شده است و با ورود مجاری نوین ارتباطی و اطلاعاتی و نوسازی ارتباطی، ارزش‌ها

و باورهای جدید به این شهر ورود یافته است. به قول کومار، «با نوسازی روابط اجتماعی، ارزش‌ها و نظام معنایی نوینی در جامعه شکل می‌گیرد که ممکن است مقوم تغییرات اجتماعی باشد» (Kumar, 1978, p. 8). به فراخور نوسازی آموزشی، نوسازی ارتباطات و رشد مشاغل جدید، اقبال جدیدی در سردشت شکل گرفته‌اند که نظام معنایی آن‌ها مقوم تغییرات اجتماعی و فرهنگی است. یکی از مجاری کنشگری اقبال جدید، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) است. در سه دهه اخیر سمن‌های متنوعی در حوزه‌های ادبی، فرهنگی-اجتماعی، زیست محیطی، پیشگیری از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، حمایت از مصدومان شیمیایی، بیماران خاص و خیریه در این شهر آغاز به فعالیت کرده‌اند. ناگفته پیداست، یاریگری در اجتماعات شهری و روستایی سردشت قدمت دیرینه‌ای داشته است و واژه گردی «هه‌روهه‌ز» که بر همیاری در کار و خوشی و ناخوشی‌های زندگی دلالت دارد، بر یاریگری سنتی دلالت دارد؛ با این وصف، گستره یاریگری، محلی و بر قرابت‌های محلی و نسبی استوار بوده و جنبه مقطعی و محدود داشته است.

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، عموماً سازمان‌های ثبت‌شده، گروه‌های اجتماع محور، انجمن‌های حرفه‌ای، اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های خیریه همکاری هستند که هدف آنها بهبود حیات اجتماعی اعضای خود و حوزه‌ها و مناطقی است که در آن فعالیت دارند (Islam, 2016, p. 2). سمن‌ها نقش بی‌بدیلی در تقویت سرمایه اجتماعی و رفع موانع انباشت آن دارند؛ زیرا آنها با «عمل توسعه» مترادف هستند. مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان عنصری اساسی در دستیابی به توسعه عادلانه و پایدار، دموکراسی مشارکتی، توانمندسازی از پایین و حکومت کارآمد مطرح شده است. بسیاری از نظریه‌پردازان و متخصصان توسعه، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان مؤلفه اساسی سازماندهی اجتماعی و پی‌ریزی یک جامعه مدنی قوی پذیرفته‌اند (Abom, 2004, p. 343).

سردشت بنا به مختصات جغرافیای سیاسی به‌عنوان منطقه جنگی توسط رژیم بعث بمباران شیمیایی شده است و به جهت جایگاه پیرامونی با مهاجرت سرمایه‌های اقتصادی و انسانی روبرو بوده است. همین وضعیت موجب شده است تا رفتارهای زیست‌واره بر منافع جمعی عام پیشی بگیرد و به‌جای مناسبات اجتماعی جامع و دربرگیرنده، خودمداری و مناسبات اجتماعی قشری و عشیره‌ای اولویت پیدا کند. ضمن آن-که شهر سردشت در وضعیت گذار بسر می‌برد و همین وضعیت آهنگ و جهت تغییرات اجتماعی را با مخاطرات عدیده‌ای روبرو ساخته است. سمن‌ها و فعالان مدنی به‌عنوان کارگزار و نیروی تغییرآفرین در بازسازی اجتماعی، نقش قابل‌توجهی ایفا می‌نمایند. سمن‌ها در سردشت از دهه 1370 شکل گرفته‌اند. از میان آن‌ها، 8 مرکز نیکوکاری و 31 سمن در حوزه‌های ادبی، فرهنگی-اجتماعی، زیست محیطی، پیشگیری از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، مصدومان شیمیایی، حمایت از بیماران خاص و خیریه، فعالیت مداوم داشته‌اند. برخی از سمن‌ها ماهیت اقتضایی داشته‌اند؛ برای نمونه، بمباران شیمیایی سردشت، بن‌مایه شکل‌گیری انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی بوده است. بر مبنای برآورد میدانی، 5893 نفر به‌عنوان عضو و جامعه هدف (دینفع) با سمن‌ها و مراکز خیریه ارتباط دارند و این مساله بر نفوذ اجتماعی سمن‌ها دلالت دارد.

تاکنون پژوهشی در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد سردشت صورت نگرفته است و بدلیل خلاء پژوهشی، دانش قابل‌اعتنایی در خصوص ماهیت و عملکرد سمن‌ها وجود ندارد. انجام این مطالعه به‌دلیل ماهیت بسترمند و تفریدی، حاوی دانش سودمندی برای جامعه مدنی و دستگاه‌های سیاست‌گذار می‌باشد و از این منظر، بدیع و جنبه اکتشافی دارد. تحقیق حاضر از آنجا که ماهیتی مردم‌محور و کیفی دارد می‌تواند مطمئن نظر صاحب‌نظران، کنشگران مدنی و سازمان‌های اجرایی قرار گیرد. بر این اساس، مسأله اصلی پژوهش حاضر

این است که در بافت شهر سردشت که از دیرباز شبکه‌های خویشاوندی و مناسبات قومی و عشیره‌ای به‌عنوان عامل اولیه هویت‌بخشی و انسجام عمل نموده‌اند، سمن‌ها در پی‌ریزی و بسط سرمایه اجتماعی چگونه ایفای نقش نموده‌اند؟ فعالان مدنی چه راهبردهایی برای تولید سرمایه اجتماعی اتخاذ نموده‌اند؟ و فعالیت مدنی حامل چه تجارب سرمایه‌زا و سرمایه‌زدایی بوده است؟

2. مرور ادبیات نظری

سازمان مردم‌نهاد (سمن)، نوعی سازمان داوطلبانه، غیرانتفاعی و غیردولتی است که مشارکت اجتماعی در جامعه را با هدف خیر جمعی ترغیب و جهت می‌بخشند. سازمان مردم‌نهاد (سمن) به‌طور مستقیم بخشی از ساختار دولت نیست، اما نقش واسطه بین افراد جامعه و حاکمیت ایفا می‌کند. منبع مالی سازمان‌های مردم‌نهاد عمدتاً از طریق کمک‌های مردمی تأمین می‌شود و در مواردی نیز توسط دولت مورد حمایت قرار می‌گیرند و یا به‌صورت تلفیقی عمل می‌کنند (Buckland, 1998, p.239). به پیروی از سنت توکویلی، انجمن‌ها و شبکه‌های رسمی و غیررسمی به‌خاطر تأثیرات اجتماعی کننده بر ارزش‌ها و هنجارهای دموکراتیک و مشارکتی، به‌عنوان خالق سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. مشارکت سمن‌ها در بسط سرمایه اجتماعی حیاتی است. آنها نه تنها سرمایه اجتماعی را تقویت، بلکه فضای ضروری برای هماهنگی متقابل و تبادل افکار را تسهیل می‌کنند. سمن‌ها به افراد انگیزه می‌بخشند تا روابط متقابل را توسعه دهند. سمن‌ها جوامع چندپاره را یکپارچه و نقش اتصال را ایفا می‌کنند (Jaysawal, 2017, p.346).

سمن‌ها رابطه مستقیمی با سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک قابلیت اجتماعی هنجاری دارند که همراهی و همکاری اجتماعی را در سطح بین فردی و نهادی تقویت می‌کنند (Claridge, 2018, p.1). مفهوم سرمایه اجتماعی، به‌مثابه مفهومی نوپدید بر مفاهیمی چون انسجام و همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی، ارزش‌ها و قواعد اجتماعی دلالت دارد که در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک بدان پرداخته شده است. تنزل روابط اجتماعی و پیوند فرد و جامعه از جمله دغدغه‌هایی است که در تکوین جامعه‌شناسی موثر بوده است (فیلد، 1388، ص 18).

از منظر صاحب‌نظران، سرمایه اجتماعی شامل چهار حوزه کلیدی است: 1) روابط شخصی که به ساختار شبکه‌های اجتماعی فرد اشاره دارد. 2) عمق و گستره حمایت شبکه‌های اجتماعی در دسترس فرد. 3) فعالیت‌های مشارکت مدنی مانند داوطلبی و اقدام اجتماعی. 4) باورها، نگرش‌ها و چارچوب‌های مرجع کنش مانند اعتماد و هنجارهای همکاری متقابل (Cockburn & Cockburn-Wooten, 2022, p.119).

کلمن، سرمایه اجتماعی، را جنبه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که پیوندهای ارتباطی، اقدام جمعی و توسعه اجتماعی را تسهیل می‌کند و شامل تعهد اجتماعی، ظرفیتی برای دستیابی به اطلاعات، قواعد مبتنی بر خیر جمعی و برخوردار از ضمانت اجرایی موثر، مراجع اقتدار و شخصیت‌های مؤثر اجتماعی و تشکل‌های اجتماعی انعطاف‌پذیر و انطباق‌پذیر است (کلمن، 1377، ص 465).

از منظر پاتنام، سرمایه اجتماعی ناظر بر آن دسته از ویژگی‌های نهادی نظیر، شبکه‌های اجتماعی، قواعد عمل متقابل و اعتماد اجتماعی است که تسهیل‌گر همکاری و هماهنگی برای نیل به منافع جمعی است. پرسش پژوهشی پاتنام و همکارانش معطوف به چرایی تفاوت در عملکرد و کارایی نهادهای دموکراتیک در

حکومت‌های منطقه‌ای شمال و جنوب ایتالیا با وجود سیاست‌های همسان دولت مرکزی بود. پاتنام در توضیح چرایی تفاوت، به متغیر سرمایه اجتماعی دست پیدا کرد. «نهادها و سازمان‌ها در حکومت منطقه‌ای شمال ایتالیا بر خلاف جنوب ایتالیا، بهتر کار می‌کردند، مشارکت مردم در پای صندوق رأی بیشتر بود، نهادهای بروکراتیک پاسخگوتر و شهروندان نسبت به ترتیبات نهادی اعتماد داشتند. شبکه‌های قوی مشارکت‌درگیری مدنی، تعیین‌کننده اصلی عملکرد دولت و توسعه اجتماعی-اقتصادی است» (پاتنام، 1380، ص 281).

نفس اشتراک ارزشی و هنجاری، به تولید سرمایه اجتماعی منتج نمی‌شود؛ هنجارهایی مولد سرمایه اجتماعی هستند که ناظر بر فضیلت‌های مدنی صداقت، تعهد اجتماعی و روابط متقابل باشند؛ هنجارهایی که هزینه پیوندهای اجتماعی را تقلیل و همبازی و همکاری جمعی را ترویج دهند (فوکویاما، 1385، ص 19).

وولکاک و نارایان در مقاله «سرمایه اجتماعی و دلالت‌های آن برای تئوری توسعه» نشان داده‌اند، جوامعی که از شبکه‌های اجتماعی متنوع، گسترده و متداخل و انجمن‌های مدنی متنوع بهره‌مند بوده، در موقعیت بهتر و قدرتمندتری برای مقابله با فقر و آسیب‌پذیری، حل و فصل اختلافات و منازعات و بهره‌مندی از فرصت‌های جدید قرار دارند (Woolcock & Narayan, 2000, p. 226).

در نزد اجتماع‌گرایان، سرمایه اجتماعی با باشگاه‌ها، اجتماعات و انجمن‌های مدنی یکسان تلقی می‌شود و کم و کیف سرمایه اجتماعی تابع تنوع و فشردگی نهادهای مدنی در جامعه می‌باشد و در تجلیل از اجتماع و جامعه مدنی، سویه‌های منفی سرمایه اجتماعی نادیده گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، آنجا که اجتماعات یا شبکه‌ها منفک و محدود و یا مغایر با منافع جمعی عمل می‌کنند، سرمایه اجتماعی از حالت مولد به آن‌چه رویو (1997) در تشریح کلمبیا، سرمایه اجتماعی معیوب، ناکارآمد و منحرف می‌نامد، تغییر می‌یابد و توسعه را مختل می‌سازد (Rubio, 1997, p. 812).

جان فیلد در کتاب سرمایه اجتماعی، به ترویج خاص‌گرایی، بازتولید نابرابری‌های اجتماعی، زوال آزادی و ابتکار فردی به‌عنوان سویه‌های منفی سرمایه اجتماعی قدیم (شبکه‌ها و پیوندهای محدود به اجتماعات همسان) اشاره نموده است (فیلد، 1388، ص 23).

اندیشه بنیادین سرمایه اجتماعی بر اهمیت انجمن‌های مدنی و اثربخشی کنش‌های مشارکتی برای نیل به خیر جمعی دلالت دارد. مسأله اصلی، سازوکار تولید و نوع سرمایه اجتماعی است. در یک تقسیم‌بندی کلی از سه نوع سرمایه اجتماعی یاد می‌شود: سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (محدود/قدیم) که بر روابط برآمده از عواطف، احساسات و ویژگی‌های مشترک دلالت دارد. سرمایه اجتماعی بین‌گروهی (پل‌دهنده) که بر روابط اجتماعی افراد و گروه‌ها با پیشینه‌ها و ویژگی‌های متفاوت دلالت دارد و ناظر بر شبکه‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های میانجی است و سرمایه اجتماعی نهادی، به روابط حاصل از شبکه‌های عمودی و سلسله‌مراتبی دلالت دارد و امکان دسترسی به منابع سازمان‌های رسمی را فراهم می‌آورد و ناظر بر روابط سطح کلان نهادی است (Woolcock & Narayan, 2000, p. 208). تفاوت بین سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌دهنده به ماهیت روابط یا انجمن‌ها در گروه یا جامعه مربوط می‌شود. سرمایه اجتماعی پیوندی در یک گروه یا جامعه است؛ در حالی که سرمایه اجتماعی پل‌دهنده بین گروه‌های اجتماعی، طبقه اجتماعی، نژاد، مذهب یا سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی یا اجتماعی-اقتصادی است (Claridge, 2018, p. 3).

3. مرور پیشینه تحقیق

دو مفهوم اصلی پژوهش حاضر سازمان‌های مردم‌نهاد و سرمایه اجتماعی است. تاکنون محققان

متعددی تلاش کرده‌اند تا ارتباط بین این دو مفهوم را بررسی نمایند. برای نمونه، یعقوبی و همکاران (1400) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تأثیر و تأثر اهم مسائل سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران»، ضمن استخراج موانع سمن‌ها در مطالعات مرتبط با سمن‌ها در بازه زمانی 1382 تا 1399 و تهیه و توزیع پرسش‌نامه مقایسه‌ی زوجی بین 15 نفر از خبرگان و فعالان این حوزه، با استفاده از تکنیک دیمتل به سطح‌بندی موانع پیش‌روی سمن‌ها پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج، ضعف در ارتباطات و همکاری مؤثر بین سمن‌ها و فقدان سرمایه اجتماعی لازم از عوامل کلیدی مؤثر بر مشکلات سمن‌ها عنوان شده است. عربی و دالوند (1400) در مطالعه پیمایشی «سمن‌ها، سرمایه اجتماعی و مدارا (مورد مطالعه: سمن‌های فعال جوانان سطح شهر شیراز 1397-1398)، ضمن اذعان به نقش سمن‌ها در مقام توانمندساز جامعه، مفهوم سرمایه اجتماعی را یکی از مهمترین مسیرهای دستیابی به مدارا در سطوح مختلف جامعه جهت دستیابی به فضای دموکراتیک عنوان نموده‌اند. بر مبنای نتایج، در سمن‌های مورد مطالعه میزان سرمایه اجتماعی و مدارا در تمامی ابعاد پایین‌تر از سطح متوسط بوده است. نتایج مطالعه کیفی قادرزاده و کریمی (1399) با عنوان «فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد؛ بر ساخت شبکه ارتباطی جدید به مثابه جایگزین محدودیت‌های ساختاری: ارائه نظریه زمینه‌ای» گویای آن است که سمن‌ها به یکی از کارگزاران مشارکت و همبستگی اجتماعی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی و میانجی ذینفعان و دستگاه‌های اجرایی در سندج (به عنوان میدان مورد مطالعه) بدل شده‌اند.

رزاقی و لطفی (1397) در تحقیق کیفی «تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی»، اصلی‌ترین مشکل درونی سمن‌ها را افول سرمایه اجتماعی و غیاب انگیزه‌های مشترک عنوان می‌نمایند. هم‌چنین رابطه سمن‌ها با شهروندان، دولت و دیگر سمن‌ها به اصلی‌ترین چالش بیرونی سمن‌ها تبدیل شده است. نتایج مطالعه پیمایشی محمدجانی و دستغیب (1397) با «عوامل مؤثر بر اثربخشی سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان استان فارس» ضمن اذعان به اثربخشی متوسط سمن‌های مورد بررسی، گویای آن است که بین مؤلفه‌های سرمایه انسانی، اجتماعی، فرهنگی و عوامل ساختاری با اثربخشی سمن‌ها رابطه معنی‌داری وجود داشته است.

هارتمن و دیگران (2019) در مقاله «اثرات شبکه‌ای سازمان‌های غیردولتی بر سرمایه اجتماعی و نوآوری در میان کشاورزان خرده‌مالک: مطالعه موردی در پرو» نشان داده‌اند که سازمان‌های غیردولتی تأثیر قابل توجهی بر انسجام اجتماعی محلی و عملکرد نوآوری داشته است. به ارتباط دهقانان از روستاهای مختلف کمک نموده و دسترسی به دانش خارجی را فراهم ساخته و ایجاد یک سازمان تولیدی محلی را تسهیل نموده است (Hartmann, et al., 2019).

آبوم در مقاله «سرمایه اجتماعی، سمن‌ها و توسعه: مطالعه موردی گواتمالا» به وجوه و پیامدهای سمن‌ها بر سرمایه اجتماعی و دلالت‌های آن بر توسعه پرداخته است. سرمایه اجتماعی تسهیل‌گر کنش‌های اجتماعی و کاهش دهنده هزینه تعاملات می‌باشد. به باور آبوم، پیوندهای افتراقی و همبستگی اجتماعی در میان اجتماعات و گروه‌هایی که خاص‌گرا بوده و یا رفتارهای ضد اجتماعی دارند، خیر جمعی را به مخاطره می‌اندازد و سرمایه اجتماعی را در جهت منفی بکار می‌اندازد (Abom, 2004, p.343).

ریزوانت و همکاران (2011) نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی از طریق افزایش بهره‌وری، خلاقیت و ترویج کارآفرینی نقش مهمی ایفا می‌کند. سرمایه اجتماعی کیفیت زندگی را بهبود و منافع اجتماعی گسترده‌ای برای افراد و جامعه در پی دارد (Rizwant, et al., 2011).

بوکلند(1998) در پژوهش «سرمایه اجتماعی و پایداری پروژه‌های سمن‌محور توسعه در بنگلادش» نشان داده است که موسسات توسعه در بنگلادش هنجارهای جدیدی از اعتماد را ایجاد کرده‌اند که انباشت کارآمد و مؤثر سرمایه اقتصادی را تسهیل می‌کند. اما اگر این موسسات بخواهند ظرفیت همکاری اجتماعات محلی را بیشتر تقویت کنند، باید به تولید سرمایه اجتماعی در بین ذینفعان توجه بیشتری کنند(Buckland,1998).

3-1. نقد و ارزیابی پیشینه تحقیق

مرور ادبیات تجربی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، گویای آن است که در تحقیقات موجود عمدتاً به وضعیت سرمایه اجتماعی در درون سمن‌ها پرداخته شده است(برای نمونه، یعقوبی و همکاران، 1400؛ عربی و دالوند، 1400؛ رزاقی و لطفی، 1397؛ محمدجانی و دستغیب، 1397). در خصوص نقش سمن‌ها در تولید سرمایه اجتماعی در جامعه در مطالعات داخلی مطالعه مستقلی به انجام نرسیده است، تنها در مطالعه کیفی قادرزاده و کریمی(1399) به کنشگری سمن‌ها در تقویت مشارکت و همبستگی اجتماعی(به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی) پرداخته شده است. برخلاف مطالعات داخلی، در مطالعات خارجی به کارگزاری سمن‌ها در تولید سرمایه اجتماعی پرداخته شده است که سه نمونه آن در پیشینه مرور شد(برای نمونه، آبوم، 2004؛ ریزوانت و همکاران، 2011؛ بوکلند، 1998). وجه متمایز پژوهش حاضر، تمرکز بر تجارب سرمایه‌زا و سرمایه‌زدای سمن‌ها و راهبردهای سمن‌ها در تولید سرمایه اجتماعی در جامعه است؛ موضوعی که در مطالعات داخلی به‌طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است، مضافاً این‌که، با وجود رشد فزاینده سمن‌ها در سردشت و آغاز فعالیت آن‌ها از دهه 1370، در خصوص سمن‌ها مطالعه‌ای به انجام نرسیده است و مطالعه حاضر از این دو جنبه، بدیع محسوب می‌شود.

4. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر روش مردم‌نگاری شهری استوار است. مردم‌نگاری شهری در تحلیل زندگی شهری، عوامل و نیروهای گسترده‌تر را لحاظ می‌نماید و بدنبال تفسیر و نقد فرهنگ و تغییر آن به نفع برابری قدرت در روابط اجتماعی و توانمندسازی سوژه‌های مورد مطالعه است. مردم‌نگاری پیوند وثیقی با موضوع قدرت دارد و تغییرات، ارزش‌ها و رابطه کنشگر و ساختار از موضوعات مورد توجه است(Abu-lughod,1991,p.19). میدان مورد مطالعه، کنشگران مدنی و سمن‌ها در شهر سردشت است. قریب به سه دهه است که سمن‌ها در سردشت، کنشگری خود را آغاز نموده‌اند. بر مبنای شواهد میدانی 31 سمن در زمینه‌های متنوع فعالیت دارند. برای تعیین تعداد نمونه آماری، اشباع نظری مبنا قرار گرفته است. در انتخاب نمونه‌ها، زمینه‌های متنوع فعالیت سمن‌ها و همچنین برخورداری از سابقه فعالیت و رابطه مداوم در سمن لحاظ شده است. در بین روش‌های نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع استفاده شده است. در این مطالعه از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در فرآیند گردآوری داده‌ها از دو رویکرد اتیک¹ و امیک¹ بهره گرفته شده است. در رویکرد اتیک در مقام یک شهروند و عضوی از میدان مطالعه، در

¹ در رویکرد اتیک(Etic)، مردم‌نگار از بیرون به موضوع پژوهش نگاه می‌کند و زبان علمی در توصیف و تحلیل اولویت دارد.

میدان حضور یافته و بدون آنکه مشارکت کنندگان متوجه هویت پژوهشگر شوند، به مشاهده و واکاوی میدان پرداخته شد. بعد از کسب داده‌های اولیه، شرایط برای در میان نهادن فرایند پژوهش با ذینفعان و کنشگران میدان فراهم و اقداماتی از قبیل مشاهده مشارکتی، کنش متقابل، مصاحبه و کارمیدانی انجام گردید. تحلیل داده‌ها به تحلیل مضمون و با استفاده از نرم افزار مکس کیودا^۲ صورت پذیرفت. تحلیل داده‌ها به روش مضمونی شامل شش مرحله آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی تم‌ها، بازنگری تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و در نهایت، گزارش نویسی و تحلیل نهایی است.

5. توصیف مشارکت کنندگان

مشارکت کنندگان شامل 34 نفر از فعالان (مدیران و اعضای) سمن‌های سردشت بودند که برحسب معیارهای زمینه‌ای چون سن، جنس، تحصیلات و سابقه فعالیت در سمن، جهت انجام مصاحبه انتخاب شدند. از مجموع 34 نفر مصاحبه‌شونده، 6 نفر زن و 28 نفر مرد بودند. میانگین توزیع سنی مشارکت کنندگان 47 سال بود. بالاترین فراوانی متعلق به رده سنی 46-53 و پایین‌ترین مربوط به رده سنی 30-37 سال بود. به لحاظ سطح تحصیلات، 38 و 35 درصد مشارکت کنندگان دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. پایین‌ترین مشارکت مربوط به دارندگان با سطوح تحصیلی زیردیپلم (سیکل) و دکتری بود.

6. یافته‌های پژوهش

6-1. راهبردهای تولید سرمایه اجتماعی

سوال اصلی پژوهش این است که سمن‌ها در تولید و بسط سرمایه اجتماعی چگونه ایفای نقش نموده‌اند و چه راهبردهایی اتخاذ نموده‌اند؟ بر مبنای ادبیات نظری، رسالت سمن‌ها، افزایش ظرفیت نظام اجتماعی و به عبارتی تولید سرمایه اجتماعی و محافظت از حوزه عمومی است. همان‌گونه که در جدول 1 آمده است، بنا به روایت مشارکت کنندگان، سمن‌ها به میانجی راهبردهایی چون «اشتراک ارزشی و هنجاری»، «اقدام جمعی»، «شبکه‌سازی اجتماعی» و «اعتماد اجتماعی» به تولید سرمایه اجتماعی کمک نموده‌اند.

جدول 1. کدهای اولیه، مقولات فرعی و تم‌های اصلی تولید سرمایه

تم اصلی	تم فرعی	کدهای اولیه
اشتراک ارزشی و هنجاری	بازاندیشی در قواعد اجتماعی	حذف هنجارهای افتراقی، ایجاد هنجارهای اجتماعی، رفع نگاه سلبی تقابل دولت و سمن، حذف خشونت، تقویت همدلی
	وفات جویی	تاب‌آوری، هماهنگی، صلح و آشتی، همدلی و همکاری، دوستی، میانجیگری، تنظیم روابط نهادی مدنی و دولتی، تقویت رابطه عوام و خواص، مفاهمه
	دیگرخواهی	پرهیز از سواستفاده، کنشگری مدنی، مسئولیت‌پذیری بالا، پرهیز از خودمداری

^۱ در رویکرد امیک (Emic)، مردم‌نگار از طریق مشاهده مشارکتی، غرق در موضوع پژوهش می‌شود و بدنبال درک معانی و دلایل کردار است.

	فرهنگ‌سازی	ترغیب و تشویق مردم به کنشگری مدنی، جذب خیرین و مساعدت آنان، پرورش هنرجویان، تکوین نهادهای مدنی و نیروی متخصص، آگاهی و آموزش
کنش جمعی پیوسته	همیاری اجتماعی	به‌کارگیری استعدادها، کمک به ادارات به هنگام بلایا، همکاری با مراکز نیکوکاری، همکاری توانگران مردمی و کنشگران مدنی، یاریگری
	مشارکت اجتماعی	اجرای برنامه‌های مشترک، همکاری بین گروهی، حضور افراد با علایق متفاوت
	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	تحصیلات پایین مانع ایفای مسئولیت‌پذیری، رفع مشکلات اقتصادی-اجتماعی مانع کنشگری اجتماعی، افول مسئولیت‌های اجتماعی، احساس مسئولیت، رشد مدنی، تمجید مصلحان اجتماعی، فرصت‌سازی
شبکه‌سازی اجتماعی	شبکه‌سازی	شبکه اجتماعی و مجازی: مجرای شناسایی و خلق مسئله، کانال ارتباطی، بسط شهروندی، روشنگری، شبکه‌سازی و کار تیمی، راه اندازی کمپین، توسعه تعامل با مردم و دستگاه‌های اجرایی
	دعوت به مشارکت	ارتباط با اشخاص متخصص و طرح درخواست مدنی، سابقه دعوت به کار مدنی، دعوت از دوستان و ایجاد انجمن نیکوکاری، ترغیب و تشویق مردم به کنشگری مدنی
	بکارگیری توانان یاریگری سنتی و مدرن	بهره‌گیری از ظرفیت هیئت‌ها و روش‌های سنتی، فضای مجازی و نهادهای مدنی درکنار شیوه‌های سنتی، هیئت‌های دینی مکمل نهادهای مدنی
اعتماد سازی	بهره‌گیری از شخصیت‌های معتمد	جذب شخصیت‌های معتمد، ارتباط با چهره‌های ماندگار، جذب متخصصین، جذب خیرین، جذب پیشکسوتان فرهنگی
	اعتمادسازی اجتماعی	تعاملات مدنی، جلب اعتماد مردم و مسئولین، شفاف‌سازی، پرهیز از تأخیر در امور مدنی

1-1-6. اشتراک ارزشی و هنجاری

یکی از مولفه‌های محوری سرمایه اجتماعی، اشتراک در معانی، ارزش‌ها و هنجارهایی است که مقوم فعالیت مدنی بوده و فعالیت و مشارکت اجتماعی را به‌مثابه فضیلت مدنی در جامعه ترویج می‌دهند؛ ارزش‌ها و هنجارهایی که به بازسازی، ترمیم و تحکیم مناسبات جمعی و همبستگی اجتماعی کمک می‌نمایند. بنا به روایت فعالان مدنی، سمن‌های مورد مطالعه از طریق «بازاندیشی در قواعد اجتماعی»، «ذوب افق‌ها»، «خسونت‌زدایی» و «تقویت همدلی» در لایه‌های مختلف اجتماع، اشتراک ارزشی و هنجاری را در دستور کار قرار داده‌اند. یکی از اعضای انجمن تیروز که از سال 1384 در حوزه اجتماعی فعالیت دارد، روایت خود را از چگونگی ورود زنان به ورزش کوهنوردی برای اولین بار در سردشت چنین بیان می‌کند:

«انجمن تیروز با تلاش مضاعف توانست در سال 1389 در پیچه تازه‌ای بر روی بانوان برای ورود به کوهنوردی بگشاید. تا قبل از این، خبری از حضور آن‌ها در میان کوهنوردان سردشتی نبود و با تکیه بر این اعتماد هر سال بر تعداد اعضاء زنان انجمن‌ها افزوده شد. امروز زنان خودشان یک گروه مستقل کوهنوردی دارند» (کد 15).

بنیاد توسعه صلح و مهربانی، که از سال 1381 فعالیت‌های خود را آغاز نموده است، خسونت‌زدایی و ترویج آشتی در سطح جامعه را در برنامه‌های مختلف در دستور کار خود قرار داده است:

«ما از طریق گروه‌های کنشگران مدنی و پیوند آنها با نهادهای رسمی کاهش خسونت و تقویت همدلی و

آشتی را دنبال کرده‌ایم» (کد4).

یکی دیگر از فعالان بنیاد توسعه صلح و مهربانی، به موضوع تغییر هنجارهای اجتماعی در فعالیت‌های بنیاد چنین اشاره نموده است:

«انجمن‌ها قادرند رأی و نظر مقامات را در رابطه با یک موضوع تغییر دهند. در واقع مؤسسه‌های مدنی بر تغییر رفتارهای نابهنجار مؤثرند و می‌توانند رفتارهای بهنجار را در جامعه بسط و توسعه دهند» (کد15).

«مصالحه»، «میانجی‌گری» و «مفاهمه» با هدف تقویت اشتراک ارزشی و هنجاری در سطح جامعه و در بین نهادهای مدنی در اظهارات تعدادی از فعالان مدنی نمایان است. یکی از اعضای مرکز نیکوکاری نور فرهنگیان در این باره چنین اظهار می‌دارد:

«اگر کسی به من مراجعه کرده تا برای رفع کدورت و اختلاف اجتماعی پیشقدم شوم و مشکل‌شان را حل کنم با مشورت دوستان سعی کرده‌ام به خاطر رضای پروردگار مشکل را حل و فصل کنم» (کد24).

یکی از اعضای انجمن تیروز، تلاش خود برای ایجاد مودت را این چنین بازگو می‌کند:

«... شخصاً بیش از ده بار برای وحدت و دوستی در بین مردم و حتی در بین انجمن‌ها پیشقدم بوده‌ام» (کد15).

یکی از اعضای انجمن حمایت از بیماران خاص، به تقویت همدلی به‌عنوان وظیفه ذاتی انجمن‌ها اشاره می‌نماید: «تقویت همدلی و یکرنگی و خدمت کردن به انجمن را وظیفه خود می‌دانیم» (کد19).

«وفاق جویی» در قالب تعیین اهداف مشترک، تنظیم روابط نهادی و تقویت روابط سمن‌ها با نخبگان مورد توجه برخی از سمن‌ها بوده است. یکی از اعضای انجمن موسیقی سردشت در این باره چنین اظهار نظر نمود: «باید اهداف مشترک و منافع اجتماعی مرور و یادآور شود. زمانی که همگی بدانند برای یک هدف تلاش می‌کنند مسئولیتی در قبال اجتماع دارند چنددستی‌ها کم‌رنگ می‌شوند. همکاری و همدلی مؤثر است» (کد13).

«تنظیم روابط نهادی» به عنوان پیش‌درآمد فعالیت انجمن نمایش از زبان یکی از اعضای انجمن چنین بیان گردید: «ارتباط با ادارات ضروری است، حساسیت‌های امنیتی کمتر می‌شود و اعتبارات لازم برای برگزاری برنامه‌ها راحت‌تر جذب می‌شود» (کد13).

«دیگر خواهی» به مثابه تم فرعی هنجارهای مروج فضیلت مدنی، دغدغه کنشگران مدنی بوده است. یکی از اعضا مرکز نیکوکاری نور فرهنگیان، عدم سوءاستفاده از دارایی‌ها و امکانات عمومی را یک ضرورت عنوان می‌نماید: «کارهایی که انجام می‌دهیم فقط برای رضای پروردگار باشد، سوءاستفاده شخصی نداشته باشیم، حس دوستی و رفاقت را بیشتر کنیم و مردم را در این راستا ترغیب نماییم» (کد24).

«فرهنگ‌سازی» از طریق آگاهی‌بخشی و آموزش‌های مدنی و پرورش هنرجو و تربیت نیروی متخصص مورد توجه فعالان مدنی قرار گرفته است که در اینجا به عنوان نمونه به فعالیت‌های انجمن سواد رسانه‌ای و مسؤلیت اجتماعی و انجمن ادبی سردشت می‌پردازیم: «بی‌گمان سمن‌ها می‌توانند بسیار مؤثر باشند. از طریق روشنگری در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی دغدغه مسؤلیت‌پذیری را در میان شهروندان زنده نگه داشته‌ایم» (کد17).

«آموزش مسؤلیت اجتماعی را از مدارس ابتدایی شروع کرده‌ایم و به صورت تئوری و عملی مباحثی در حوزه محیط زیست و سلامت آموزش می‌دهیم» (کد25).

2-1-6. کنش جمعی پیوسته

یکی از مولفه‌های بنیادی سرمایه اجتماعی، تقویت کنش‌های جمعی پیوسته و برانگیختن مشارکت شهروندان در حل مشکلات محلی (اقدام جمعی) است. اقدام جمعی و کنش پیوسته، بازنمای بهره‌گیری از

خرد و تجارب جمعی و بسط هویت‌های جمعی افراد در سطح هویت محله‌ای، شهروندی و هویت ملی است. «همیاری اجتماعی» به‌عنوان یکی از تم‌های فرعی اقدام جمعی از طریق تشکیل ائتلاف، تعامل و یاریگری و اشتراک مساعی سمن‌ها با هم و با نهادهای رسمی مورد توجه برخی از سمن‌ها بوده است. یکی از اعضای انجمن کوهنوردی به همراه ساختن مردم در فعالیت‌های زیست‌محیطی چنین اشاره می‌نماید: «انجمن با همراه ساختن مردم در فعالیت‌های زیست‌محیطی و در مهار آتش سوزیهای گسترده جنگلها و نجات افرادی که در زیر بهمن گرفتار شدند وجهه خوبی دارد و مردم به چشم همیار به انجمن می‌نگرند» (کد10).

در بنیاد توسعه صلح و مهربانی، ائتلاف با سمن‌های خارج از سردشت مورد توجه قرار گرفته است: «با ارتباطی که با جمعیت امام علی برقرار کردیم موفق به تهیه سبذغذایی برای نیازمندان سردشت شدیم» (کد4).

یکی از اعضای انجمن نشاط (فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی) به ضرورت ائتلاف بین انجمنی اشاره می‌نمود: «نهادهای باید ائتلاف تشکیل دهند و در اجرای برنامه‌های همدیگر مشارکت و همکاری داشته باشند» (کد35).

نهادهای مدنی برآیند مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنشگران مدنی می‌باشد و با کنشگری خود به ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمک می‌نمایند. «تهیه ملزومات نیازمندان، مدنیت و احساس تعلق اجتماعی، تقویت حوزه عمومی و ترجیح خیرعمومی» ناظر بر احساس مسئولیت اجتماعی در روایت کنشگران مدنی مورد مطالعه بود. یکی از اعضای انجمن کوهنوردی در این خصوص چنین اظهار می‌دارد: «مسئولیت اجتماعی با مشارکت دادن و عضویت مردم در انجمن‌ها تقویت خواهد شد. تلاش کردیم مردم را با نقش اجتماعیشان بیشتر آشنا کنیم» (کد10).

عضو انجمن موسیقی نیز دشواری معیشتی را در زوال رسالت اجتماعی موثر عنوان می‌نماید: «بی‌ثباتی مالی باعث شده وظایف اجتماعی را زیاد اهمیت ندهند. این مشکلات دامن‌گیر جامعه شده است و در این شرایط ترغیب به رسالت اجتماعی سخت است» (کد13).

3-1-6. شبکه‌سازی اجتماعی

شبکه اجتماعی بر ساختار و گستره روابط اجتماعی دلالت دارد و مشخص‌کننده دایره تعلقات جمعی افراد است. ساختار روابط اجتماعی، بر روابط اجتماعی با شبکه‌های غیر رسمی، بینابینی (انجمنی) و رسمی دلالت دارد. «شبکه‌سازی» به‌عنوان مولفه اصلی سرمایه اجتماعی، از ضرورت‌های جامعه معاصر به حساب می‌آید و فعالان مدنی از رهگذر راه‌اندازی کمپین، کار تیمی، فعالیت‌های گروهی به گسترش ساخت روابط اجتماعی فراتر از مرزهای خویشاوندی، قومی و عشیره‌ای اهتمام نموده‌اند. بنیاد توسعه صلح و مهربانی با اجرای برنامه‌های گروهی و دعوت به همراهی سمن‌ها و سلايق محتلف به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک نموده است:

«کمپینی را هم به نام کمپین مهربانی‌های کوچک به راه انداخته بودیم که ما در تمام شهرهای ایران و تعدادی از کشورهای همسایه نماینده داشتیم که هر عمل مهرورزانه‌ای را به روز در میان مردم منتقل می‌کردند» (کد4).

«ما حتی گردهمایی کوهنوردان را به مناسبت هفت تیر، راه انداختیم که بهانه‌ای باشد برای صمیمیت و مهربانی بیشتر میان کنشگران مدنی سردشت و شهرهای دیگر» (کد4).

«شبکه مجازی» برای ترمیم و بسط روابط اجتماعی مورد توجه انجمن خیرین سلامت قرار گرفته است: «از تمامی امکان‌های موجود از سمینار و همایش و جلسات ترغیبی گرفته تا به کارگیری شبکه‌های اجتماعی، واتساپ و تلگرام برای برقراری ارتباط با مردم و درگیر ساختن و آشنا ساختن با همدیگر استفاده می‌کنیم» (کد5).

یکی از اعضای انجمن موسیقی به نمونه‌ای از شبکه‌سازی انجمنی برای پیشبرد آیین بزرگداشت چنین

اشاره می‌نماید:

«نمونه‌ای از همکاری انجمن موسیقی و انجمن ادبی، آیین بزرگداشت استاد خضر قادری، از اساتید و تاریخ زنده موسیقی کردستان بود که به ایشان مدرک درجه 1 هنری اهدا گردید» (کد 13).

به گفته عضو انجمن ققنوس (فعال در حوزه اجتماعی) ارتباط بین انجمنی در پیشبرد کارها موثر است: «در انجمن ققنوس سعی بر همکاری با سایر سمن‌ها بوده است. با انجمن سبز در پاکسازی آبشار شلماش، با انجمن مصدومین شیمیایی در برگزاری همایش مین و با انجمن تیروژ در برگزاری مسابقات فکری کودکان و شطرنج بزرگسالان و با انجمن ژینگه در کاشت بلوط و با انجمن‌های خیریه در کمک‌رسانی مشارکت داشته‌ایم» (کد 9).

«بکارگیری توامان یاریگری سنتی و مدرن» (تلفیق‌گرایی)، تم فرعی شبکه‌سازی اجتماعی، بر بهره‌گیری سمن‌ها از شیوه‌های سنتی یاریگری در کنار شیوه‌های مدرن یاریگری دلالت دارد و تعدادی از سمن‌ها از این ظرفیت برای فعالیت مدنی بهره گرفته‌اند:

«در سردشت، روش‌های کدخدامنشی و ریش سفیدگری همچنان بیشتر از شیوه‌های جدید مانند انجمن‌ها مورد توجه است و هنوز اکثر مشکلات با کدخدامنشی حل می‌شود» (کد 9، مرکز نیکوکاری پیوند مدارس).

«با توجه به نقش رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی در شناسایی جامعه هدف و فراخوان‌ها می‌توان بیش از قبل استفاده کرد البته کدخدامنشی هم بسیار تأثیرگذار است» (کد 22، مرکز نیکوکاری پیوند مدارس).

سمن‌های سردشت از طریق «فراخوانی» و دعوت به مشارکت در کارهای عام المنفعه، به ترغیب مردم به کنشگری و جذب خیرین و جلب مساعدت متخصصین پرداخته‌اند. یکی از اعضای انجمن کوهنوردی گیارنگ سردشت، فعالیت‌های انجمن را این‌گونه تشریح می‌نماید:

«برگزاری سمینارهای داخلی برای اعضا با حضور شخصیت‌های اندیشمند، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، برگزاری کنفرانس، دیدو بازدیدهای میدانی، و ترغیب به کنشگری مدنی را در دستور کار قرار دادیم» (کد 15).

عضو بنیاد صلح و مهربانی‌های کوچک، بهره‌گیری از ظرفیت افراد بهره‌مند از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و شبکه‌سازی اجتماعی را در بنیاد چنین روایت می‌کند:

«جمعی از افراد خوشنام مثل خانم منیره پوری، کاوه خضری، حاج حسن قادری، حاج علی شریعتی از همکاران آموزش و پرورش را دعوت نمودم به همراه مسئول آموزش و پرورش وقت، اعلام کردیم که می‌خواهیم یک انجمن نیکوکاری راه‌اندازی کنیم و آن‌ها با ما همراهی کردند» (کد 5).

4-1-6. اعتمادسازی

در نزد صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی، اعتماد، از اجزا کلیدی روابط اجتماعی و بُعد کیفی روابط اجتماعی به حساب می‌آید. اهمیت کیفیت روابط در کنار ساختار روابط (شبکه‌های اجتماعی) از این واقعیت نشأت می‌گیرد که تنها شبکه‌هایی با کیفیت و خصایص مشخص که هنجارهای خاصی نظیر صداقت و اعتماد اجتماعی را در خود دارد، می‌توانند سرمایه اجتماعی کارآمدی را در جهت بسط گستره روابط اجتماعی بین‌گروهی در پی داشته باشد. بر مبنای روایت فعالان مدنی، سمن‌ها از دو طریق به اعتمادسازی اجتماعی پرداخته‌اند: نخست، از طریق جذب و بکارگیری شخصیت‌های معتبر و چهره‌های ماندگار تلاش نموده‌اند هم ضریب نفوذ اجتماعی سمن را ارتقا بخشند و هم هویت و پایگاه اجتماعی خود را تقویت بخشند. در مرکز نیکوکاری فاطمه زهرا، مرکز نیکوکاری پیوند مدارس، انجمن تیروژ، باشگاه کوهنوردی گیارنگ، انجمن نشاط، بنیاد توسعه صلح و مهربانی و انجمن ققنوس به اعتماد به‌عنوان ضرورت و نقطه قوت سمن‌ها اشاره داشته‌اند.

یکی از اعضای مرکز نیکوکاری پیوند مدارس، بهره‌گیری از ظرفیت معتمدان شهر را چنین روایت می‌کند:

«مجموعه‌ای از شخصیت‌های معتمد را دعوت کردم که بیایند و یک انجمن نیکوکاری را راه‌اندازی کنیم که مشکل این دانش‌آموزان را حل نماییم. خانم منیره پوری، کاک کاوه خضری، حاج حسن قادری، حاج علی شریعتی از همکاران خوشنام آموزش و پرورش را دعوت نمودم و همراه مسئول آموزش و پرورش وقت، اعلام کردیم که ما می‌خواهیم یک انجمن این‌چنینی راه‌اندازی کنیم و برایشان توضیح دادم که ما می‌توانیم» (کد4).

«نقطه قوت انجمن‌های ما، وجود شخصیت‌های علاقمند، دلسوز و قابل اعتماد است» (کد، انجمن تیروژ 15).

علاوه بر جذب افراد متخصص و معتمد، سمن‌ها از طریق، شفافیت در عملکرد، جلب اعتماد مردم و مسئولین و پرهیز از تأخیر در امور مدنی به تقویت اعتماد اجتماعی اهتمام داشته‌اند.

«اعتماد مردم و کارایی بالا نقطه قوت سمن است» (کد32، مرکز نیکوکاری فاطمه زهرا).

«تعامل اجتماعی با مردم، تعامل سازنده با ادارات، عامل اعتمادسازی است» (کد35، انجمن نشاط).

«بیشترین فعالیت در سمن ما معطوف به تعامل مردم و مسئولین با هدف ایجاد اعتماد بود» (کد9، انجمن ققنوس).

«سمن ما به دنبال ارتقاء اعتماد، آگاهی، و ارائه بهترین راه‌حل‌های ممکن است» (کد29، باشگاه کوهنوردی گیارنگ).

«تعامل اجتماعی با مردم، تعامل سازنده با ادارات، عامل اعتماد سازی است» (۳۵ انجمن نشاط سردشت)

6-2. تجارب سرمایه‌زا

یکی از موضوعات محوری پژوهش حاضر این بود که فعالیت فعالان مدنی در سمن‌های سردشت، چه دلالت‌هایی برای تولید سرمایه اجتماعی در میدان مورد مطالعه داشته است و تا چه اندازه این فعالیت‌ها سرمایه‌زا و سرمایه‌زدا بوده است؟ بر مبنای روایت فعالان مدنی، سمن‌ها از طریق «عام‌گرایی»، «الگوسازی»، «فرهنگ مشارکت»، «وارستگی مبنای عضوگیری»، «روایتگری ترومای جمعی»، «هدف‌گذاری مشترک» و «بسط شبکه روابط انجمنی» تجارب سرمایه‌زایی اندوخته‌اند.

جدول 2. کدهای اولیه، مقولات فرعی و تم اصلی تجارب سرمایه‌زا

تم اصلی	تم‌های فرعی	کدهای اولیه
تجارب سرمایه‌زا	عام‌گرایی	مشارکت بدون لحاظ نگرش و طیف، شبکه‌های مجازی و بسط کنشگری، رفع موانع مذهبی و اتنیکی در ارتباط، بسط ارتباط، خروج از سرمایه اجتماعی قدیمی
	الگوسازی	الگوپذیری از افراد شاخص، نقش الگویی سمن در عضوگیری و تربیت اعضا، کنش بدون چشمداشت
	فرهنگ مشارکت	احیای دوباره یاریگری سنتی، پذیرش درخواست عضویت و همکاری، شرکت در مراسم‌ها، حضور فراگیر، مشارکت بین گروهی
	وارستگی مبنای عضوگیری	اعتبار و خوشنامی اعضا، شخصیت اعضا مبنای ارزیابی سمن، صداقت متولی سمن، شخصیت اعضا عامل شهرت سمن، وجاهت اعضا
	هدف‌گذاری مشترک	کارگروهی با اهداف و انگیزه‌های مشترک، همراهی با کنشگران دارای هدف مشترک، کنشگری در گروه تخصصی هم هدف

روایت جنگ و آوارگی و بی‌خانمانی، یادآوری فجایع، بازگویی آسیب‌های جمعی به قصد انذار، روایت مصائب	روایتگری تجارب تروماتیک
ضرورت ائتلاف بین انجمنی، همکاری و همسویی بین انجمنی، سرمایه برون‌گروھی، ضرورت تقویت روابط و همکاری بین سمن‌ها	بسط شبکه روابط انجمنی

تم «عام‌گرایی» در قالب مضامین توسعه مشارکت بدون لحاظ تعلقات طیفی و نگرشی، توسعه کنشگری برخط، برقراری روابط بدون لحاظ عشیره و قومیت و گذار از مناسبات محدود و بسط روابط بین‌گروهی مورد توجه برخی از سمن‌ها بوده است:

«ما (بنیاد صلح و مهربانی)، انجمن بلوطبانان پا به رکاب را راه‌اندازی کردیم که شهروندان با هر نوع نگاه و طیفی در آن مشارکت دارند» (کد4، عضو بنیاد صلح و مهربانی).

«شبکه همدلی را راه‌اندازی کردیم. اعضای این شبکه فعالان مدنی و مسئولان هستند. برای دولتمردان فعال مدنی تابو است. خواستیم اعلام کنیم سمن ضرورت اجتماعی است نه تهدید» (کد4، عضو بنیاد صلح و مهربانی).
«دوبار از هیروشیما نمایندگان برای حضور در برنامه‌هایمان به سردشت آمدند و متقابلاً اعضای انجمن مصدومین در مراسم یادبود سالانه بمباران هیروشیما حضور پیدا کردیم» (کد2، عضو انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی).

در اغلب سمن‌ها، با دعوت از افراد شهیر، به «الگوسازی» و ترویج فعالیت مدنی کمک کرده‌اند:
«احساس مسئولیت از سوی افراد شاخص، انسان را تشویق به خدمات و پذیرفتن اموری می‌کند که شاید دولت به دلایلی در آن ورود پیدا نکند. افراد شاخص این خلأ را پر می‌کنند» (کد8، عضو انجمن ققنوس).

«همراهی افراد شاخص در انجمن کتابخانه‌ساز، مردم را به پذیرفتن وظایفی سوق داد که دولت به دلایلی حاضر به سرمایه‌گذاری در آن نبود و لذا این افراد این خلأ را پر کردند» (کد3، عضو انجمن خیرین کتابخانه‌ساز).
برخی از فعالان مدنی سردشت، رشد و احیای جامعه را در پرتو «ترویج همکاری» می‌بینند و «هه‌روهه‌ز» به‌عنوان نمادی از مشارکت سنتی، پیش‌درآمد مشارکت در سردشت بوده است:

«در قدیم احساس مسئولیت در قبال خدا و دین مطرح بود. نیازی به تکاثر ثروت و نیازی به اهدافی خاص و گاهاً شوم نداشتند، لذا کار را بر عهده می‌گرفتند و سایرین نیز پشت سرشان آماده خدمت بودند. مانند هیئت امنای مساجد و به زبان ساده‌تر «هه‌روهه‌ز» داشتند» (کد8، عضو انجمن خیرین کتابخانه‌ساز)

«در منطقه ربط کسی را نیاز داشتند که با آن‌ها همکاری کند و درخواست عضویت را از من نمودند و من هم در خدمتشان بودم و باهم کار و فعالیت را شروع کردیم» (کد5، عضو انجمن خیرین سلامت).

در اغلب سمن‌ها با هدف اعتباربخشی و افزایش ضریب نفوذ اجتماعی به «حسن‌نیت، شهرت و خوش‌نامی» و «وارستگی» به عنوان صفات اعضاء توجه نموده‌اند:

«توجه به خوشنامی اعضای انجمن و تلاش و پیگیری مسائل مربوط به مرکز، توانستیم افراد خیر زیادی را جذب کنیم و از هدایای این عزیزان به نیازمندان کمک نماییم» (کد24، عضو مرکز نیکوکاری نور فرهنگیان).

«...افرادی هم هستند که به سمن‌ها بی‌اعتماد هستند و به افراد شاخص و سرشناس اعتماد می‌کنند تا به سمن‌ها. سعی کردیم تعداد این افراد را در سمن بیش‌تر کنیم» (کد34، عضو مرکز نیکوکاری بانوان سبز سردشت).

«شهر ما کوچک است و اکثراً همدیگر را می‌شناسند و اکثراً براساس شناختی که شخصیت افراد و اعضاء سمن‌ها دارند در این مورد تصمیم‌گیری می‌کنند و انجمن‌ها را ارزیابی می‌نمایند» (کد19، انجمن ندای فرهنگیان انفس).

«هدف‌گذاری مشترک» و «تخصصی‌شدن» از جمله تمهیدات سمن‌ها با هدف تقویت کارگروهی و جلب مشارکت اجتماعی بوده است:

«اهداف و انگیزه‌های مشترک مبنای کارگروهی و سرمایه اجتماعی است» (کد26، کانون فرهنگی-اجتماعی بانوان).
«حوزه آسیب‌های اجتماعی، کنشگری جمعی با اهداف مشترک را می‌طلبد و تلاشم برای کمک به افرادی که به

سوی مواد مخدر گرایش پیدا کرده بودند، صد چندان شد» (کد35، انجمن نشاط).

«برای ایجاد فرصت جهت رشد و شکوفایی استعدادها و حفظ منزلت و کرامت ذینفعان، نیازمند تخصصی کردن کارها و مشایعت اهل فن و کنشگران هم هدف هستیم» (کد12، انجمن موسیقی سردشت).

سردشت مشکلات و مصائب فراوان و رویدادهای تلخ و تکان‌دهنده زیادی را به خود دیده است، فعالان مدنی با «روایتگری تجارب تروماتیک»، ضرورت همدردی، همراهی و همکاری جمعی را یادآوری نموده‌اند: «من در شهری زندگی می‌کنم که اولین شهر غیرنظامی قربانی بمباران شیمیایی در جهان است. شهری که مردم مدنی در آن بمباران شیمیایی شد!» (کد4، بنیاد توسعه صلح و مهربانی).

«برای شهرمان فعالیت داشته باشیم و از سرگذشتش باخبرشویم از جمله حمله روسها به سردشت که آن زمان مردان نامی شهر را در خانه یکی از اهالی با کبریت آتش زدند» (کد2، انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی).

«گسترش روابط بین انجمنی»، با هدف بهره‌گیری از تجارب جمعی و افزایش اثربخشی مورد توجه برخی از سمن‌ها بوده است:

«فلسفه وجودی همه ارائه خدمت است. به همین دلیل انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت پیشنهاد تشکیل ائتلاف انجمن‌های سردشت را مطرح کرد که انجمن‌ها جلسات مشترکی داشته‌باشند و از فعالیت‌های خود گزارش بدهند و تبادل تجربه کنند» (کد2، انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی).

«فعالیت ما فرهنگی و هنری است. سعی کردیم با تمام انجمن‌های فعال رابطه و همکاری داشته باشیم و توانستیم هنرمندان را به هم نزدیک کنیم و الگویی برای انجمن‌های دیگر باشیم» (کد11، بنیاد توسعه صلح و مهربانی).

3-6. تجارب سرمایه‌زدا

بر مبنای روایت مشارکت‌کنندگان، سرمایه اجتماعی در میان برخی از سمن‌ها برحسب تم‌ها و مضامینی چون «تخریب کنشگران با انگیزه خوش خدمتی»، «بی‌اعتمادی»، «محفل‌سازی و حلقه‌گرایی»، «ترجیح منافع شخصی» و «زیست جزیره‌ای» افول یافته است.

جدول 3. کدهای اولیه، مقولات فرعی و تم اصلی تجارب سرمایه‌زدا

تم اصلی	تم‌های فرعی	کدهای اولیه
زیست جزیره‌ای	تخریب	منفی‌نگری، مخالفت، ستیزه‌جویی، سنگ‌اندازی، کارشکنی و مخدوش‌سازی فعالان مدنی، عدم شفافیت، تردید، بدگمانی، عدم شناخت سمن‌ها، اتهام به کنشگران مدنی، بدبینی سمن‌ها به یکدیگر
	محفل‌سازی و حلقه‌گرایی	چنددستگی و عدم پذیرش یکدیگر، تیم‌سازی و باندبازی، عدم رایزنی و فاصله اندازی میان سمن‌ها، دیوارکشی و مانع تراشی
	ترجیح منافع شخصی	منفعت‌طلبی شخصی، کنشگران مدنی به‌مثابه افراد سودجو، تحمیل علایق فردی، تمنیات فردی از سمن
	زیست جزیره‌ای	ضعف نشست، عدم ائتلاف سمن‌ها با هم، ضعف تعامل و ارتباط میان سمن‌ها
	گسست سرمایه‌نهادی	عدم همکاری مسئولین با سمن‌ها، عدم پذیرش سمن‌ها در ادارات، نادیده انگاشتن، بی‌اعتمادی نهادهای اجرایی به سمن‌ها
	زوال مدارا	اختلاف اجتماعی، اعمال نظر شخصی، ضعف دگراندیشی، ضعف دگرپذیری و رواداری مدنی، ضعف روابط بین گروهی

«تخریب کنشگران» از جمله مضامین مورد اشاره مشارکت‌کنندگان بود؛ این‌که عده‌ای با انگیزه خوش‌خدمتی ستیزه‌جویی و سنگ‌اندازی در میان سمن‌ها نوعی منفی‌نگری را نسبت به سمن‌ها ترویج می‌دهند:

«...در هر دوره‌ای یکی از سمن‌ها چشمگیرتر از بقیه فعالیت کرده، سمن‌های دیگر به‌جای همراهی، متأسفانه سد راه شده‌اند و به‌جای نقد، سنگ‌اندازی و مانع رشد شده‌اند!» (کد4، انجمن خیرین سلامت).
«اقلیتی به‌خاطر منافع شخصی، وجود سمن‌ها را سودمند نمی‌بینند و اغلب اوقات با این نهادهای مدنی کدورت داشته و ساز مخالف می‌زنند» (کد15، انجمن کوهنوردی گیارنگ سردشت).

تردید، بدگمانی، کارشکنی و مخدوش‌سازی فعالیت مدنی از دیگر مضامین مورد اشاره فعالان مدنی بود:
«چندین سال قبل خبرنگاری را فرستاده بودم تا درخصوص عوامل ترک تحصیل دختران منطقه، مصاحبه‌هایی با مردم روستا انجام دهد، معلم این روستا، خبرنگار را تهدید و مردم را تحریک کرده بود که از مصاحبه خودداری کنند، گفته بود که این خطرناک است» (کد5، بنیاد صلح و مهربانی‌های کوچک).

«... نسبت ما و تعدادی از انجمن‌های دیگر حرف‌هایی زده می‌شود اما خدا را شاهد می‌گیریم و همه آن اشخاصی که با ما در این بنیاد و انجمن‌ها کار می‌کنند و همه آنهايي که از طرف ما خدمت دریافت کرده‌اند نیز شاهدند که تبعیضی در کار نبوده است» (کد4، انجمن خیرین سلامت).

از منظر فعالان مدنی، مضامینی چون عدم شناخت، نگاه منفی، جامعه سنتی و بدبینی و برچسب زنی به سمن‌ها و فعالان مدنی موجبات بدگمانی، مخالفت‌ورزی و بی‌اعتمادی را فراهم نموده است:

«در ابتدا برایمان خیلی سخت بود چراکه نگاه به بعضی خیریه‌ها این بود که در حال دزدی هستند و به این خانواده‌ها کمک نمی‌شود. جلب اعتماد مردم بسیار سخت بود. گاهی گریه می‌کردم که چرا این‌گونه قضاوت می‌کنند؟» (کد31، مرکز نیکوکاری فاطمه زهرا).

«به‌عنوان کسی که کار جمعی می‌کنی گاهی متهم می‌شوی که از مردم سوءاستفاده می‌کنی، در حالی که باید از جیب و مال و عمر خود هزینه کنی» (کد17، انجمن حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج).

از دیگر مضامین مورد توجه مشارکت‌کنندگان، «محفل‌سازی و حلقه‌گرایی» بود. چنددستگی و عدم پذیرش یکدیگر، تیم‌سازی و باندبازی، فاصله‌اندازی میان سمن‌ها و دیوارکشی، مصادیق حلقه‌گرایی هستند:
«در خیابان شارل مارتر در شهر پاریس 17 دفتر حزبی وجود دارد و همه در همسایگی یکدیگر قرار دارند و ارتباط گرم با هم دارند، می‌شود. یک شخص در اروپا در دهه‌ها انجمن فعالیت می‌نماید اما در کشور ما و شهر سردشت اگر فلان کس عضو فلان انجمن بود نباید عضو انجمن دیگری باشد. برای نمونه در این روزها برنامه‌ای بود نگاه کردم خیلی از افرادی که در این عرصه فعالیت دارند، حضور نداشتند، چون یا دعوت نشده‌اند یا آن اشخاص را قبول ندارند» (کد5، بنیاد صلح و مهربانی‌های کوچک).

ترجیح منافع شخصی از دیگر مضامین مورد اشاره در روایت مشارکت‌کنندگان بود. تفرقه و چنددستگی بدلیل ترجیح منافع شخصی و تحمیل سلايق فردی از ناحیه برخی از سمن‌ها دنبال می‌شود:

«نقطه ضعف انجمن‌ها در این است که تعدادی از اعضا هیئت مؤسس برخی از انجمن‌ها، این مراکز را میدانی برای تمنیات شخصی خود می‌بینند و ملک شخصی خود می‌دانند» (کد15، انجمن کوهنوردی گیارنگ سردشت).

«عدم همکاری لازم با یکدیگر و تحمیل عقاید خود بر دیگران و نبود خانه انجمن‌ها» (کد8، انجمن ققنوس).

«اختلال در روابط نهادی» در روایت مشارکت‌کنندگان به‌کرات بیان شده است و مضامینی چون ضعف همکاری مسئولین با نهادهای مدنی، نادیده‌انگاری و عدم پذیرش سمن‌ها بر این مساله دلالت دارد:

«همکاری بین سمن‌ها و دستگاه‌های اجرایی ضعیف است و فقط در حد کسب مجوز و بعضاً بهره‌مندی از سالن‌های

ادارات است» (کد 17، انجمن حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج).
«هرچند در قانون احزاب آمده که ادارات، انجمن‌ها را بپذیرند ولی ظاهر قضیه، مسئولان ادارات به انحای گوناگون از امکان زمینه حضور انجمن‌ها در حوزه ادارات خود طفره می‌روند» (کد 8، انجمن ققنوس).
به‌زعم مشارکت‌کنندگان سمن‌ها در سردشت از ضعف در درک متقابل، دگرپذیری و رواداری رنج می‌برند و همین مساله مناسبات بین انجمنی را با نوسان و انقطاع همراه شده است:
«چرا همدیگر را قبول نداریم؟! چرا برای فعالیت‌های همدیگر ارزش قائل نیستیم؟! چرا به‌طرد همدیگر می‌پردازیم؟! اینکه شخصی برجسته خواهد شد به جای آنکه حمایتش کنیم و یا درکنارش ما نیز ارتقاء پیدا کنیم سعی در تخریبش می‌نماییم این پدیده شایع در جامعه ماست» (کد 4، انجمن خیرین سلامت).

7. نتیجه‌گیری

جمع‌گرایی‌های خاص‌گرایانه، فردگرایی‌های خودخواهانه، غلبه عقلانیت ابزاری و ارزش‌های ابزاری (ثروت و قدرت) بر عقلانیت ارتباطی و ارزش‌های ذاتی (تعهد و معرفت) از جمله آسیب‌هایی است که توسعه اجتماعی را در جامعه به‌مخاطره می‌اندازد. «توسعه اجتماعی، ناظر بر بسط و تحکیم اجتماع جامعه‌ای¹، اخلاق و تعهد جمعی عام، احترام متقابل و پذیرش تفاوت‌ها، همدلی و اعتماد اجتماعی عام می‌باشد و اجتماعات انجمنی از کارگزاران اصلی آن به‌حساب می‌آید» (عبداللهی، 1383: 16). گسترش سازمان‌های اجتماع‌محور، معادل بسط و گسترش سرمایه اجتماعی است که به همبستگی، اعتماد، تعامل و حمایت اجتماعی منتج می‌شود (Putnam, 1994, p.84). سازمان‌های مردم‌نهاد رابطه مستقیمی با سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک قابلیت اجتماعی هنجاری دارد و از طریق تقویت همراهی و همکاری اجتماعی در سطح بین فردی و نهادی (Claridge, 2018, p.1) و بهبود مشارکت اجتماعی و شبکه‌سازی اجتماعی (Islam, 2015, p.167) به توسعه اجتماعی کمک می‌کنند. بنابراین، سمن‌ها پیوند وثیقی با تکثیر و ارتقاء سرمایه اجتماعی و حذف موانع انباشت آن دارند و در هماهنگ‌سازی و سازماندهی ارتباطات اجتماعی سهم قابل توجهی دارند.

پژوهش حاضر در چارچوب این مفروضه نظری، به دنبال فهم راهبردهای تولید سرمایه اجتماعی در سمن‌های سردشت بود. آنچه بر اهمیت عملی این پژوهش مردم‌نگارانه می‌افزاید به مخاطره افتادن توسعه اجتماعی بدلیل ساختار قطاعی، چندپارگی اجتماعی، مسائل و شکاف‌های اجتماعی در سردشت به‌عنوان یک جامعه در حال گذار است. هرچند اغلب سمن‌های سردشت با رویکرد رفع مصائب افراد کم‌برخوردار شکل گرفته و ماهیت حمایتی دارند، اما به‌عنوان کارگزار توسعه اجتماعی و فرهنگی، در بازسازی اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی سهیم بوده‌اند.

در جامعه‌ای که با تعدد، تنوع و تعارض اجتماعات، ارزش‌ها و الگوها و قواعد عمل جمعی روبرو است، لازمه کار انجمنی ذوب افق‌ها و «اشتراک ارزشی و هنجاری» است. بر مبنای روایت و تجربه زیسته کنشگران مدنی، تعدادی از سمن‌های سردشت، از طریق بازاندیشی قواعد اجتماعی (حذف هنجارهای افتراقی و تأکید بر هنجارهای مقوم فضیلت‌های مدنی نظیر همکاری جمعی، کنش داوطلبانه، بردباری اجتماعی و تعهد اجتماعی

اجتماعی)، وفاق جویی، دیگرخواهی، ترغیب فعالیت مدنی و فرهنگ‌سازی، به ترویج ارزش‌ها و هنجارهای مقوم همکاری اجتماعی کمک نموده‌اند.

چندگانگی ساختاری و ساخت قطاعی محصول شدت یافتن روابط درون‌گروهی و ضعف روابط برون‌گروهی است. سمن‌ها از طریق شبکه‌سازی اجتماعی (به‌عنوان دومین مؤلفه سرمایه اجتماعی) به تقویت روابط بین-گروهی کمک می‌کنند. بر مبنای نتایج، برخی از سمن‌ها از طریق راه‌اندازی کمپین، کار تیمی، دعوت به مشارکت، بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی مجازی، ارتباط با اشخاص متخصص و بکارگیری توأمان شیوه‌های سنتی و مدرن یاریگری به «شبکه‌سازی اجتماعی» و «روابط اجتماعی تعمیم‌یافته» کمک کرده‌اند. همدلی و اعتماد اجتماعی بُعد کیفی سرمایه اجتماعی و نشانگر دایره‌تعلقات جمعی افراد است؛ جمع-گرایی‌های خاص‌گرایانه و هویت‌یابی بر مدار شبکه‌های خویشاوندی و مناسبات قومی و عشیره‌ای نشان از ضعف «اعتماد تعمیم‌یافته» دارد. اعتماد تعمیم‌یافته، به شکلی از اعتماد اجتماعی ارجاع دارد که دامنه آن به غریبه‌ها هم امتداد پیدا می‌کند (Stone, 2011, p. 11). برخی از سمن‌ها با جذب و همراهی افراد مقبول و معتمد و شفافیت در عملکرد به بازسازی و تعمیم اعتماد اجتماعی اهتمام داشته‌اند.

توسعه اجتماعی به کنش جمعی پیوسته (اقدام جمعی) نیاز دارد. فردگرایی‌های خودخواهانه، زیست‌جزیره‌ای را در جامعه تقویت می‌کند. بر مبنای روایت کنشگران مدنی، برخی از سمن‌ها از طریق همیاری اجتماعی، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در حل مشکلات محلی مشارکت داشته‌اند. بر اساس آنچه گفته شد، برخی از سمن‌های مورد مطالعه از طریق ترویج قواعد نمادین مثبت، شبکه‌سازی اجتماعی، اعتمادسازی و تعمیم اعتماد اجتماعی و تقویت کنش‌های پیوسته به تولید سرمایه اجتماعی مبادرت نموده‌اند. این یافته همسو با مطالعه تجربی «اسلام» است. بر مبنای نتایج این مطالعه، سازمان‌های غیردولتی در جنبه‌های مختلف مانند بهبود مشارکت، شبکه‌های اجتماعی و اقدام جمعی به توسعه اجتماعی در بنگلادش کمک کرده‌اند (Islam, 2015, p. 167).

با توجه به قابلیت زیای سمن‌ها، در صورت افزایش ضریب نفوذ اجتماعی و ارتباط بین‌انجمنی، سمن‌ها به گذار از همبستگی اجتماعی مکانیکی به ارگانیکی کمک می‌نمایند. «جامعه مدرن، متضمن شکل جدیدی از همبستگی و نظم اجتماعی برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی است؛ نظمی که بر تمایزپذیری و پذیرش تفاوت‌ها و وابستگی متقابل استوار است و به میانجی انجمن‌ها و گروه‌بندی‌های حرفه‌ای قوام می‌یابد، نظمی ارگانیک است و ماهیت انسجامی دارد (کاف و دیگران، 1388، ص 44).

یکی دیگر از اهداف این پژوهش، فهم تجارب سرمایه‌زا و سرمایه‌زدای اجتماعی سمن‌ها بود. از جمله تجارب سرمایه‌زای سمن‌ها، عام‌گرایی بود. این مضمون بر عدم لحاظ هویت‌های اولیه (تعلقات قومی، عشیره‌ای، خویشاوندی و وابستگی مکانی) در عضوگیری و ارائه خدمات دلالت دارد و روایت‌گر تعمیم روابط اجتماعی و گذار از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (محدود) به سرمایه اجتماعی بین‌گروهی (پیوندی) می‌باشد. «الگوسازی»، «فرهنگ مشارکت»، «وارستگی مبنای عضوگیری»، «هدف‌گذاری مشترک» و «روایت‌گری ترومای جمعی» از جمله اقداماتی محسوب می‌شود که در تقویت پایگاه اجتماعی و ضریب نفوذ اجتماعی سمن‌ها، ترویج فضیلت‌های مدنی، گذار از رفتارهای زیست‌واره به کنش‌های جمعی پیوسته مؤثر بوده است. در کنار اقداماتی که به تولید و بسط سرمایه اجتماعی می‌انجامد، نمی‌توان از فعالیت‌های سرمایه‌زدا غافل شد. برخی از اقدامات سرمایه‌زدا به نحوه عملکرد سمن‌ها مرتبط است: «باندبازی»، «دیوارکشی»،

«چنددستگی» در میان سمن‌ها، «تحمیل علایق و ترجیح تمنیات فردی» و «شکنندگی ارتباطات بین‌گروهی» از جمله آسیب‌هایی است که اثربخشی و ضریب نفوذ اجتماعی سمن‌ها را محدود و به زوال سرمایه اجتماعی می‌انجامد. برخی دیگر از اقدامات سرمایه‌زدا، به نحوه مواجهه مردم و کارگزاران نهادی با سمن‌ها و فعالان مدنی مرتبط است. اذعان فعالان مدنی به مضامینی چون «منفی‌نگری»، «محدودسازی»، «کارشکنی»، «مخدوش‌سازی و ستیزه‌جویی با کنشگران مدنی»، «اتهام سوء استفاده و بدگمانی» و «سنگ-اندازی» در فعالیت برخی از سمن‌ها، نشان از تحدید ساخت فرصت‌های سیاسی و تردید اجتماعی نسبت به فعالیت مدنی دارد و با افزایش هزینه‌های فعالیت مدنی، بی‌تفاوتی اجتماعی و فردگرایی خودخواهانه و زیست‌جزیره‌ای را در جامعه شدت می‌بخشد. هم‌سو با روبیو، آن‌جا که اجتماعات یا شبکه‌ها منفک و محدود هستند و یا در مغایرت با منافع گروهی جامعه عمل می‌کنند، سرمایه اجتماعی مولد به سرمایه اجتماعی معیوب، ناکارآمد و منحرف بدل خواهد گشت و توسعه اجتماعی به شدت مختل می‌شود (Rubio, 1997, p.807).

با اذعان به ماهیت اکتشافی، بسترمند و تفریدی مطالعات کیفی، بر مبنای روایت فعالان مدنی سردشت، در راستای افزایش ضریب نفوذ اجتماعی سمن‌ها در سردشت و شدت بخشیدن به سرمایه اجتماعی مولد و بین‌گروهی، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

نخست: نظر به نوپایی و ابهامی که نسبت به ضرورت کارکردی سمن‌ها در میدان مردم‌مطالعه وجود دارد، پاسخگویی و شفافیت در عملکرد و تمایزپذیری و تخصصی‌شدن در فعالیت سمن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. دوم: با وجود تعدد در سمن‌ها و مراکز نیکوکاری، پتانسیل همراهی جمعی در بین سمن‌ها ضعیف است. در این راستا، تعامل و ائتلاف بین‌گروهی در قالب تقسیم‌کار بین انجمنی برای کاستن از فعالیت‌های جزیره‌ای و بهره‌گیری از تجارب جمعی ضروری به نظر می‌رسد. به‌قول یکی از مصاحبه‌شوندگان، سمن‌ها بایستی جلسات مشترک ماهیانه، فصلی یا اقتضایی را در دستور کار خود قرار دهند.

سوم: فعالیت مدنی و انجمنی در جامعه‌ای که فردگرایی‌های خودخواهانه و عقلانیت ابزاری به الگوی کنشی غالب بدل شده است و کارگزاران نهادی با دیده تردید به فعالیت‌های مدنی می‌نگرند با هزینه‌های جسمی، روانی، اجتماعی و سیاسی برای فعالان مدنی همراه است؛ از این رو فراهم آوردن ساخت فرصت‌های سیاسی و نهادی و بازاندیشی در رویکرد مسئولان اجرایی نسبت به فعالیت سمن‌ها امری مبرهن است.

چهارم: مشاهدات میدانی گویای آن بود که سنگینی کار خیلی از سمن‌ها بر دوش یک یا دو نفر از اعضا است و اکثر اعضا به همان اندازه مسئولیت‌پذیر نیستند. ضمن آن‌که برخی از سمن‌ها از فعالیت‌های خودمدارانه آسیب می‌بینند و اعضا در فرایند تصمیم‌سازی حضور و مشارکت ندارند. راه‌برون رفت از شخصی‌شدن و بکارگیری سمن‌ها برای مطامع شخصی و گروهی، در گرو نهادمندسازی سمن‌ها است و ضرورت دارد در اساسنامه سمن‌ها مواردی چون شفافیت مالی، چرخش دموکراتیک قدرت، انتخابی شدن هیات مدیره سمن‌ها و زمان‌مند شدن فعالیت‌ها، برگزاری مجمع عمومی و ... لحاظ شود.

منابع

1. پاتنام، رابرت (1380). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، مترجم: محمدتقی دلفروز، تهران، نی.
2. رزاقی، نادر و لطفی، بهنام (1397). *تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آنها با دولت، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، 5 (11)، 25.

3. عبداللهی محمد (1383). توسعه اجتماعی، فرایند مدیریت و توسعه، ۱۸ (۴)، ۱۴-۲۱.
4. عربی، علی و دالوند، فرانک (1400). سمن‌ها، سرمایه اجتماعی و مدارا (مورد مطالعه: سمن‌های فعال جوانان سطح شهر شیراز 1397-1398)، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، پیاپی 53، 32-48.
5. قادرزاده، امید و کریمی، ایوب (1399). فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد؛ بر ساخت شبکه ارتباطی جدید به‌مثابه جایگزین محدودیت‌های ساختاری: ارائه نظریه زمینه‌ای، *مسائل اجتماعی ایران*، 11 (1)، 203-232.
6. فوکویاما، فرانسیس (1385). *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، مترجم: غلامعباس توسلی، تهران، قلم نوین.
7. فیلد، جان (1388). *سرمایه اجتماعی*، مترجمان: غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران، کویر.
8. کاف، ای.سی؛ شاروک، دبلیو. دبلیو و فرانسیس. دی. دبلیو (1388). *چشم‌اندازهایی در جامعه‌شناسی*، مترجمان: بهزاد احمدی و امید قادرزاده، تهران، کویر.
9. کلمن، جیمز (1377). *بنیاد نظریه‌های جامعه‌شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری تهران، نی.
10. محمدجانی محمدرضا و دستغیب، سید احمد رضا (1397). عوامل موثر بر اثربخشی سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان استان فارس، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، پیاپی 42، 187-214.
11. ولکوک، مایکل و دیگران (1389). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دمکراسی و توسعه*، مترجمان: حسن پویان و افشین خاکباز، تهران، شیرازه.
12. یعقوبی، الهام؛ محمدی، سارا؛ نوشیروان بابلی، پگاه و خانمحمدی، هادی (1400). تحلیل تأثیر و تأثر اهم مسائل سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران، *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، پیاپی 40، 74-100.

References

1. Abom, B. (2004). Social capital, NGOs, and development: A Guatemalan case study'. *Development in Practice*, 14 (3), pp. 342-353.
2. Abu-lughod, L. (1991). Writing against culture 'in Richard G. Fox 'Recapturing Anthropology', pp. 137-62. Sante Fe, NMex: School of American Research Press.
3. Buckland, J. (1998). Social capital and sustainability of NGO intermediated development projects in Bangladesh. *Community Development Journal*, 33(3), pp. 236-248.
4. Claridge, T. (2018). Functions of social capital—bonding, bridging, linking. *Social capital research*, 20 (1), pp. 1-7.
5. Cockburn, T. and Cockburn-Wooten, C. (2022), "Redefining Social Capital and Social Networks in Global Civil Society", Oberoi, R., Halsall, J.P. and Snowden, M. (Ed.) *Contestations in Global Civil Society*, Emerald Publishing Limited, Leeds, pp. 119-156.
6. Coleman, J. (1998). *Foundation of Sociological Theorie*. Translated by Manochhehar Sabouri, Tehran, Ney. (in Persian).
7. Evans, P. (1996). Government action, social capital and development: reviewing the evidence of synergy. *World Development*, 24 (6), pp. 1119-1132.
8. Field, J. (2008). *Social capital*. Translated by Gholam Reza Ghafari and Hossein

- Ramezani. Tehran, Kavir. (in Persian).
9. Fukuyama, F. (2000). The end of the order of checking social capital and maintaining it. Translated by Gholam Abbas Tavasli. Tehran: Jamia Iranian Publishing House. (in Persian).
 10. Hartmann, D., and et al. (2019). The network effects of NGOs on social capital and innovation among smallholder farmers: a case study in Peru, *The Annals of Regional Science*, 70(1), pp. 633-658.
 11. Islam, M. R. (2016). *NGOs, Social Capital and Community Empowerment in Bangladesh*. Palgrave Macmillan, Singapore.
 12. Jaysawal, N. (2017). Role of Non-Governmental Organization (NGO) in Social Capital: A Review. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*. 7(6), pp. 341-351.
 13. Putnam, R. (1995). 'Bowling alone: America's Declining Social Capital'. *Journal of Democracy*, 6 (1), pp. 65-78.
 14. Kumar, K. (1978). *Prophecy and Progress*. (Harmonds Worth): Penguin.
 15. Putnam, R. (2001). *Democracy and Civil Traditions*. translated by: Mohammad-Taghi Delfrooz. Tehran: Political Studies Office of the Ministry of Interior. (in Persian).
 16. Putnam, R. D., Leonardi, R., & Nanetti, R. Y. (1994). *Making Democracy Work, Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton university press.
 17. Rahman, A. (1995). Participatory development: Toward liberation of co-option? In G. Craig and M. Mayo (Eds.) *Community Empowerment: A Reader in Participation and Development*. London: Zed Book.
 18. Razzaghi, N & Lotfi, B. (2017). Sociological analysis of the challenges of survival and sustainability of non-governmental organizations active in the field of social harms; Emphasizing their relationship with the government, *Sociology of Social Institutions*, 5 (11), pp. 25. (in Persian).
 19. Rubio, M. (1997). Perverse Social Capital: Some Evidence from Colombia. *Journal of Economic Issues*, 31 (3), pp. 805-816.
 20. Stone, W. (2011). Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life, Research Paper No. 24, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, Available at <http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone.html>.
 21. Woolcock, M., & Narayan, D. (2000). Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy. *The World Bank Research Observer*, 15 (2), pp. 225-49.
 22. Woolcock, M., and et al. (2008). *Social capital: trust, democracy and development*, translated by Hasan Pouyan and Afshin Khakbaz, Tehran, Shiraze (in Persian).